

■ جبرگرایی فناورانه

مریم کازرانی | علی صلاحی یکتا

■ چکیده

هدف: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در مورد تکنولوژی/فناوری و رواج روز افزون آن بررسی و دیدگاه‌های اندیشمندان در مورد ابعاد مثبت، منفی، و فرامدرنیستی آن نقد می‌شود و به سؤال‌های مقدر پاسخ داده شده است. روش/رویکرد پژوهش: مرور متون مرتبط. یافته‌ها: سه گروه اصلی شناسائی شدند: گروه اول با دید مثبت، رواج فناوری را علت‌العلل پیشرفت‌های اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی می‌دانند و ایجاد اقتصاد مبتنی بر دانش را در تحولات فناورانه جست‌وجوی می‌کنند. گروه دوم با دید منفی، رسوخ فناوری را در زوایای مختلف زندگی انسان، نوعی هتک حریم خصوصی افراد تلقی کرده و آن را ابزاری برای در معرض گذاشتن خصوصی‌ترین زوایای زندگی فرد قلمداد می‌کنند. گروه سوم، که با دیدگاه فرامدرنیستی به فناوری و عواقب آن، از آن جهت که پیشرفت فناوری باعث زیان‌رسانی به طبیعت می‌شود، با آن به مقابله برخاسته‌اند.

کلیدواژه‌ها

جبرگرایی، فناوری

جبرگرایی فناورانه

مریم کازرانی^۱ | علی صلاحی یکتا^۲

دریافت: ۱۳۸۷/۱/۱۵ پذیرش: ۱۳۸۷/۶/۱۷

مقدمه

از زمانی که کارل مارکس بیان داشت: «اگر چیزهای مفید بیش از اندازه تولید شود، نتیجه‌اش شماره بیش از حد افراد غیر مفید خواهد بود»؛ تا به حال، اندیشمندان گوناگون، به روش‌های مختلف و از زوایای متعدد، از محوریت فناوری و فواید و معایب آن در زندگی امروز بشر سخن گفته‌اند. نقطه عطف عقاید آنها این است که فناوری به یکی از شاخص‌های اصلی موفقیت اقتصادی و روش زندگی و کار تبدیل شده است (براون، ۱۳۷۹، ص ۱۱) و به عنوان سلاح اصلی در رقابت بین شرکت‌ها مطرح است. در واقع، آنچه در دنیای امروز شاهد هستیم وضعیتی است که در آن فناوری منشأ مصنوعات شده که زندگی بشر را به صورت نگران‌کننده‌ای احاطه کرده است. صرف نظر از ویژگی‌های مثبت استفاده از فناوری در صنعت، تجارت، ارتباطات، آموزش، و مانند آن - که رویکرد بسیاری از موافقان فناوری را به خود اختصاص داده است - استفاده از فناوری، چه به صورت درست و چه نادرست، مشکلاتی را باعث شده است که واضح‌ترین آنها صدمه دیدن محیط طبیعی است، مانند آلودگی هوا، آلودگی آب، آلودگی صوتی، از بین رفتن خاک، از بین رفتن لایه ازن، و زیاده‌های الکترونیکی که ذهن و فکر هر انسان مسئول را هر لحظه می‌آزارد. هرچند مطالعات علمی نشان می‌دهد که این مسئله در سطح مدیریتی مورد توجه جدی قرار نمی‌گیرد (براون، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱). سه گزارش جداگانه، که به تازگی توسط مؤسسه‌های معتبر منتشر شده‌اند، متفق‌الرأی هستند که رهبران سیاسی دنیا در مورد حفاظت از محیط زیست

۱. دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی
دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد علوم و تحقیقات تهران
kazerani.m@gmail.com
۲. مربی دانشکده پیراپزشکی
دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی

فقط حرف می‌زنند؛ در حالی که عمل آنها زیان رساندن به محیط است. آنها رشد اقتصادی به هر قیمت را تشویق می‌کنند بدون اینکه عواقب ناشی از زیان‌های محیطی را در نظر بگیرند. در حقیقت، آنها برای فعالیت‌هایی که به محیط آسیب می‌رساند سوبسید پرداخت می‌کنند، و در نهایت، باعث گسترش فقر و تهیدستی در دنیا می‌شوند (براون، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱-۱۰۲).

از جانب دیگر، به نظر می‌رسد که فناوری مدرن رابطه سطح یک ابناء بشر، یعنی رابطه درون‌فردی را در درجه نخست، و رابطه بین فردی را در درجه بعدی، مورد تهدید و تغییر قرار داده است. ظاهراً مسئله اصلی استفاده درست یا نادرست از فناوری نیست، بلکه نکته پیچیده‌تری مطرح است و آن این است که فناوری فی‌نفسه موجب پیدایش فرهنگ فناورانه خاصی شده است که با روح بشر، به‌عنوان موجود ابدی و ازلی، تعارض دارد. در واقع، می‌توان اینطور بیان کرد که استفاده از فناوری در فعالیت‌های روزمره انسان به‌نوعی توهم نارسایی تبدیل شده است (هایدگر، ۱۳۷۵، ص ۹۰). توهم نارسایی عبارتی است که مارشال مک‌لوهان برای تعبیر و تفسیر وضعیت امروزی استفاده از فناوری به‌کار برده است. او در عین اینکه به نقش و ارزش وسایل فناوری ارتباطات در جهان امروز واقف بوده، معتقد است که نفس وسایل فناورانه، ارتباطات انسان فن‌زده را دچار توهم نارسایی نموده است. اسطوره یونانی ناریسیس مستقیماً با انسانی ارتباط دارد که امروزه در برابر فناوری قرار دارد^۳ (هایدگر، ۱۳۷۵، ص ۹۰). مطلب قابل توجه در این اسطوره آن است که نشان می‌دهد افراد به‌سرعت تحت تأثیر گسترش وجودی خویش قرار می‌گیرند؛ گسترش وجودی‌ای که از جنس خودشان نیست. حال، به نظر مک‌لوهان، چون تمامی اختراعات یا فناوری‌ها برای گسترش حواس آدمی صورت گرفته است و در واقع فناوری چیزی نیست جز گسترش وجود مادی آدمی - گسترش و تداومی که از جنس آدمی نیست - انسان فن‌زده دچار توهم ناریسیس شده است. بدین معنی که وابستگی نزدیک و مداوم فناوری با انسان او را همانند ناریسیس در یک وضعیت توهم و ناآگاهی قرار می‌دهد و با پذیرفتن سلطه فناوری، به‌مرور خدمتگزار آن می‌شود (هایدگر، ۱۳۷۵، ص ۹۰-۹۱).

از آنجا که کتابداری و اطلاع‌رسانی از زوایای مختلف، قربت و همجواری فراوانی با فناوری‌های مدرن روز دارد - به عبارتی به‌نوعی به تغییرات و تحولات دنیای فناوری وابسته است - تبیین مفهوم جبرگرایی فناورانه برای اولین بار در ادبیات نوشتاری این رشته ضروری به نظر می‌رسد. این مقاله بر آن است که به تبیین مفهوم بنیانی جبرگرایی فناورانه پردازد و دیدگاه‌های برخی اندیشمندان را نسبت به فناوری از سه جنبه مخالف، موافق، و فرامدرنستی بیان کند.

جبرگرایی فناورانه^۴

عبارت جبرگرایی فناورانه اولین بار توسط جامعه‌شناس آمریکایی، ترستین ویلن^۵ (۱۸۵۷-۱۹۲۹)

۳. ناریسیس به معنای توهم‌زدگی، نام جوانی است که تصویر خودش را در آب می‌بیند و آن را به جای فرد دیگری می‌گیرد. گسترش و تداوم وجودی ناریسیس که در آب منعکس شده است تا آنجا بر ادراک او اثر می‌گذارد که ناریسیس بنده و شیفته تصویرش در آب می‌شود (هایدگر، ۱۳۷۵، ص ۹۰-۹۱).
4. Technological determinism
5. Thorstein Veblen

به کار برده شد (ابرسل⁶، ۲۰۰۳). مارشال مک لوهان، در ۱۹۶۲، نظریه جبرگرایی فناورانه را با تأکید بر فناوری رسانه‌ها مطرح کرد. او، در این نظریه، یادآور می‌شود که رسانه‌ها و فناوری مربوط به آنها شکل دهنده افکار، اعمال، و احساسات ما هستند (هاستر⁷، ۲۰۰۷). در واقع، عمل ما نشأت گرفته از یادگیری، احساس، و ادراک ماست و به دلیل اینکه فناوری در طول چهار دوره زندگی بشر (حیات بدوی، دوره سوادمندی، ظهور چاپ، و حیات الکترونیکی) تقویت کننده حس‌های ما بوده است؛ با پیشرفت فناوری، حس‌های ما نیز توسعه می‌یابد. اساس نظریه مارشال مک لوهان تعبیر این جمله است: «We shape our tools and in turn they shape us» (هاستر، ۲۰۰۷).

اندیشمندان مختلف از جبرگرایی فناورانه تعاریف گوناگونی کرده‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. از نظر مریت روسمیت^۸، جبرگرایی فناورانه یعنی اعتقاد به اینکه فناوری نیروی حاکم بر جامعه است.

۲. از نظر مایکل ال. اسمیت^۹، جبرگرایی فناورانه یعنی اعتقاد به اینکه پیشرفت‌های اجتماعی حاصل نوآوری‌های فناوری است که به صورت اجتناب‌ناپذیری در جریان است.

۳. از نظر بروس بیمبر^{۱۰}، جبرگرایی فناورانه یعنی اعتقاد به اینکه پیشرفت فناوری تعیین کننده تغییرات اجتماعی است.

۴. از نظر روزالین ویلیامز^{۱۱}، جبرگرایی فناورانه تعبیر منطقی سه واژه زیر است: TECHNOLOGY, DETERMINES, HISTORY (ویکی پدیا، [بی تا]).

وجه مشترک این تعاریف در دو بخش است:

۱. توسعه فناورانه در مسیری قابل پیش‌بینی و قابل ردیابی صورت می‌گیرد، و

۲. فناوری بر جوامع انسانی تأثیر دارد و تأثیر آن بیشتر از نوع ذاتی^{۱۲} است تا اجتماعی^{۱۳}.

جبرگرایی فناورانه مخالف نظریه «ساختار اجتماعی فناوری» است که در آن گفته می‌شود مسیر نوآوری‌ها و نتایج فناوری شکل گرفته از فرهنگ، سیاست، و اقتصاد جوامع انسانی است. از جانب دیگر، جبرگرایی فناورانه از سوی جوامع دانشگاهی مورد شک و تردید قرار گرفته است. هر چند که به عنوان نگرش حاکم بر فرهنگ عمومی توده مردم و رسانه‌های خبری باقی مانده است.

اندیشمندان و جامعه‌شناسان نظرهای متعددی نسبت به فناوری و فرآورده‌های آن دارند. به طور مثال، دانیل بل، با طرح جامعه فراصنعتی تأکید ویژه‌ای بر اطلاعات دارد. آنتونی گیدنز، نقش اطلاعات جمع‌آوری شده را در مقاصد نظارتی بر ملا می‌کند. هربرت شیلر، درباره نیاز سرمایه‌داری پیشرفته به کسب و دستکاری اطلاعات بحث کرده است؛ و مانوئل کاستلز قائل به شهر اطلاعاتی است (ویستر، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵).

6. Ebersol

7. Huster

8. Merritt Roe Smith

9. Michael L. Smith

10. Bruce Bimber

11. Rosalind Williams

12. Inherent

13. Socially

به طور کلی، می‌توان گفت نگرش به فناوری و پیشرفت‌های آن از سه دیدگاه کاملاً متمایز قابل بررسی است: نگرش مثبت، نگرش منفی، و نگرش فرامدرنیستی.

نگرش مثبت

دانیل بل، در زمره کسانی است که از عقیده پدیدار شدن نوع جدیدی از جامعه با نام جامعه اطلاعاتی پشتیبانی می‌کند. او از طریق نظریه «فراصنعت گرایی» شناخته شده‌ترین توصیف را از جامعه اطلاعاتی ارائه می‌کند. اصطلاح فراصنعت گرایی^{۱۴}، اولین بار توسط بل، در اواخر دهه ۱۹۵۰، ابداع شد (ویستر، ۱۳۸۰، ص ۹۲). بل، جامعه‌شناس برجسته آمریکایی، اعتقاد دارد ظهور جامعه فراصنعتی^{۱۵} با انفجار دگرگونی‌های فناورانه هماهنگ است. بل، با پیش‌بینی تغییر و تحولات به وجود آمده توسط فناوری، اعتقاد دارد که ما در حال ورود به سیستمی هستیم که وجه مشخصه آن حضور فزاینده اطلاعات است. اهمیت اطلاعات و آگاهی برای جامعه فراصنعتی از نظر کمی و کیفی تعیین‌کننده است. در این بین، اهمیت آنچه او آن را «آگاهی نظری» می‌داند، بیشتر مطرح است. به بیان دیگر، در جامعه فراصنعتی تنها فزونی اطلاعات مطرح نیست، بلکه نوع متفاوتی از اطلاعات/ آگاهی جریان دارد. او معتقد است که ترسیم سیر حرکت جوامع از ماقبل صنعتی به صنعتی و سپس به فراصنعتی نوعی سیر تاریخی است که به نوعی تکامل گرایانه به نظر می‌رسد. به این معنا که رشد مشاغل خدماتی و پیشرفت‌های فناوری در جامعه فراصنعتی پیوستگی زمان حال را با گذشته نمایان می‌سازد. اثر مکلاپ، به منظور چارچوبی آماری برای درک اقتصاد مبتنی بر اطلاعات، زیرساختی عینی برای اندیشه‌های بل است (دارنلی، ۱۳۸۴، ص ۵۴). می‌توان گفت که اساس نظریه بل بر این اصل استوار است که تغییری - از تولید کالا به ارائه خدمات - به وقوع پیوسته و اساس این تغییر تولید دانش بوده است. او پیش‌بینی کرد که کامپیوتر و فناوری اطلاعات نقش مهمی در پیشرفت‌های آینده دارند و جامعه فراصنعتی یک اقتصاد مبتنی بر خدمات دارد که نیروی محرکه آن دانش است. از جانب دیگر، بل اندیشمندی کل‌گراستین^{۱۶} است؛ با این تحلیل که جوامع، از نظر او، اندام‌واره‌ای یکپارچه نیستند که به‌عنوان سیستمی یگانه قابل بررسی باشند. او همه نظریه‌های اجتماعی تمامیت‌خواهانه/ کل‌گرا را، چه از سوی چپ‌گرایان مطرح شده باشد - که سرمایه‌داری را بر همه امور جامعه تحمیل شده می‌پندارند - و چه آنهایی که محافظه‌کارترند - و معتقدند که کارکردهای اجتماعی در الگویی یکپارچه به سمت نظم و تعادل متمایل است - رد می‌کند و معتقد به سه قلمرو اجتماعی، سیاست، و فرهنگ در جوامع انسانی می‌باشد (محسنی، ۱۳۸۰، ص ۵۴).

از جمله اندیشمندانی که نگرشی مثبت به فناوری دارند، مانوئل کاستلز^{۱۷} است. کلام

14. Postindustrialism

15. Post Industrial Society (PIS)

16. Anti-Holist

17. Manuel Castells

آغازین کاستلز آن است که شبکه‌ها همه چیز را تغییر داده‌اند. او با دفاع از نظریه «تغییر» اذعان می‌دارد که محرومیت اطلاعاتی ممکن است به طرد اجتماعی از همه فرهنگ‌ها و کشورها منجر شود و به موازات جهانی شدن، یک اقتصاد غیراخلاقی جهانی در حال ایجاد شدن است. وی از امکان سوءاستفاده از قدرت رسانه‌ها - توسط معدود افرادی که آنها را کنترل می‌کنند - صحبت به میان می‌آورد؛ ولی در نهایت، با دیدگاه انسانی و خوش بینانه به رخدادها نگاه می‌کند. تمرکز مانوئل کاستلز بر اهمیت جریان‌های اطلاعاتی و شکل‌گیری شهرهای جهانی است. از نظر او ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی، بدون تردید، وجه تبیین‌کننده فعالیت‌های اواخر سده بیستم بوده است و ایجاد شهر اطلاعاتی سهم عمده‌ای در تفکر ما نسبت به اهمیت اطلاعات در دنیای امروز دارد. کاستلز، با تحلیل صریح و اصولی شهر اطلاعاتی، فرآیند قطبی شدن جامعه را پیش‌بینی کرده است (وبستر، ۱۳۸۰، ص ۵۸)؛ با این مفهوم که جهانی‌سازی و شبکه‌های اطلاعاتی، اصلاح مناسبات طبقاتی را در شهرهای معین مورد تأیید قرار می‌دهند. در هر حال، تفکر او به‌سادگی به سمت نوعی جبرگرایی فناورانه کشیده می‌شود به این معنی که «انقلاب اطلاعات» طرز زندگی ما را دگرگون کرده است. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت: پژوهش جامع مانوئل کاستلز قائل بر آن است که هم‌اکنون در عصر شبکه‌ای شدن، عامل اطلاعات بیش از عامل سرمایه در توسعه دخیل شده است (بل، ۱۳۸۲، ص ۵۱).

نگرش منفی

نگاه منفی به پیشرفت‌های علمی - فناورانه به اواسط قرن ۲۰ مربوط می‌شود و دلایل متعددی دارد. از جمله به‌کارگیری انرژی اتمی در سلاح‌های اتمی، نازیسم، جنگ جهانی، و فقدان توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم.

نیل پستمن^{۱۸}، جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل ارتباط جمعی، از جمله اندیشمندان است که خطر کاربرد فناوری بدون اخلاق را گوشزد کرده است. این محقق آثار انهدام فرهنگی و روانی و اجتماعی را که ناشی از لجام‌گسیختگی نظام صنعتی جدید است، از زوایای مختلف بررسی کرده است و از نظام‌های تکنوپولی به‌عنوان جوامعی یاد می‌کند که به‌طور مطلق تحت انقیاد فناوری مدرن قرار دارند؛ جوامعی که حق دخالت در سرنوشت از آنها ربوده شده است (پستمن، ۱۳۷۳، ص ۴۶). از نگاه او، در نظام فعلی، انسان و اجتماع حاکم نیستند، بلکه ماشین و کامپیوتر است که جامعه را یکسره اسیر توقعات و ایجابات خود کرده و از این رهگذر است که جامعه عنان اندیشه و اخلاق و فرهنگ و حتی معنویات خود را از دست داده و آن را در انحصار ماشین گذارده و به‌ایندز فرهنگی مبتلا شده است. چرا که در فرآیند این اسارت، نظام ایمنی و سیستم کنترل و قدرت دفاع فرهنگی جامعه در برابر هجوم بی‌امان و طغیان رودخانه

18. Neil Postman

اطلاعات و یورش پیام‌ها و داده‌های فناوری متلاشی شده است. نظام تکنوپولی، به عقیده پستمن، با کمک رسانه‌ها، جامعه جهانی را به انقیاد خود درآورده است و این کار با یورش فرهنگی و تهاجمی همه‌جانبه توأم است. نظام تکنوپولی نمی‌تواند در کنار خود خانواده، تاریخ، فرهنگ، و مذهب را تحمل کند (پستمن، ۱۳۷۲، ص ۷۸). از سوی دیگر، انهدام این چهار رکن، انهدام بشریت است. رهایی از قیدوبند این ارکان اسارت مطلق جامعه را در زیر چنگال‌های درنده و ویرانگر هیولای لجام‌گسیخته فناوری در پی دارد.

لویس مامفرد^{۱۹}، ژاک الو^{۲۰}، هربرت رید^{۲۱}، آرنولد گلن^{۲۲}، و ایوان ایلچ^{۲۳} از جمله متفکرانی هستند که با پستمن موافق‌اند (پستمن، ۱۳۷۲، ص ۴۸).

قبل از پستمن، در دهه‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۴۸، هاکسلی و جورج اورول، هریک در قالب زمانی تخیلی، آینده جهان را ترسیم می‌کنند.

از نظر هاکسلی، دنیای شگفت‌انگیز نو، دنیایی است که ثمره رشد فناوری افسارگسیخته و عاری از اخلاق است. دنیایی که در آن نشانه‌ای از فرهنگ و ارزش‌های انسانی وجود ندارد و تاریخ بشری فراموش شده است. اصل حاکم بر این دنیا از نظر او، رفاه، پیشرفت، و ثبات اجتماعی است. رفاه و پیشرفت، محصول علم و صنعت است و ثبات اجتماعی معلول نفی تفکر و اندیشه و اراده انسان‌ها و ممانعت از خودآگاهی آنهاست. دنیایی که هاکسلی برای آینده بشریت پیش‌بینی می‌کند، دارای حکومتی است واحد و جهانی و برخوردار از نظمی بسیار پیشرفته.

جورج اورول، معتقد است حکومت و قدرت در انحصار حزب است. دو هدف حزب حاکم عبارت است از: فتح کره زمین و ایجاد دولت جهانی و دیگری نابودی تام و تمام امکان اندیشه مستقل. به عقیده حزب، پیشرفت فناوری آنگاه روی می‌دهد که محصول آن به نحوی برای کاستن از آزادی انسان به کار گرفته شود.

گرچه پیشگویی‌های جورج اورول و آلدوس هاکسلی آینده‌ای هراسناک و نامطلوب را از جهان به تصویر خیال کشیده‌اند، تفاوت‌هایی نیز با هم دارند. اورول به پیدایش قدرت استیلاگر مستبدی - نظام دیکتاتوری - معتقد است و بدان هشدار می‌دهد اما هاکسلی بر این باور است که برای از دست دادن و تاراج استقلال، خود مختاری، حق حاکمیت بر سرنوشت خویش، حق رأی و عقیده آزاد، و بالاخره تاریخ و فرهنگ نیازی به ظهور دیکتاتور ندارد. او اعتقاد دارد انسان‌ها کم‌کم به جایی می‌رسند که از اسارت خویش لذت می‌برند و به پرستش فناوری‌هایی می‌پردازند که زمام اندیشه را از آنان می‌رباید و قدرت تفکرشان را نابود می‌سازد (پستمن، ۱۳۷۲، ص ۹۵).

19. Lewis Mumford

20. Jacques Ellul

21. Herbert Reed

22. Arnold Glen

23. Ivan Illich

نگرش پست‌مدرنیستی

از جمله مکاتبی که به‌نوع خاصی نگاه منفی به فناوری و پیشرفت‌های آن دارد، پست‌مدرنیسم

است. پست مدرنیسم، به عنوان یک پدیده فکری، که مشخصه بارز آن مخالفت با هر چیزی است که شاید بتوان آن را سنت روشنگری در تفکر نامید، عمیقاً نسبت به دلایل توجیه کننده توسعه، که در آن داعیه تشخیص چگونگی پیشرفت جهان مطرح می شود، به ستیز برمی خیزد. با چند جمله کوتاه زمینه های تاریخ اندیشه را، که در نهایت به پیدایش پست مدرنیسم انجامیده، مرور می کنیم (رهادوست، ۱۳۸۴، ص ۳۲-۳۳):

قرون وسطی	من باور دارم
عصر روشنگری (دکارت)	من فکر می کنم
رومانتیک	من احساس می کنم
رنالیسم	من بازنمایی می کنم
ناتورالیسم	من تصویر می کنم
پوزیتیویسم (نظریه داروین)	من مشاهده می کنم
مدرنیسم (نیچه)	من نفی می کنم
فرویدیسم	من خواب می بینم
مارکسیسم	من تغییر می دهم
آگزیستانسیالیسم	من انتخاب می کنم
پست مدرنیسم	من فرو می ریزم

به طور خلاصه، می توان گفت پست مدرنیسم، به عنوان پدیده ای فکری و اجتماعی، به تبیین موارد زیر می پردازد:

۱. نفی دولت به عنوان سمبل هویت ملی،
۲. ترفیع و ترویج نسبی بودن اخلاق،
۳. مخالفت با رشد اقتصادی به بهای ویرانی محیط زیست،
۴. مخالفت با حل شدن فرهنگ های خرد در فرهنگ مسلط،
۵. مخالفت با نژادپرستی،
۶. مخالفت با نظارت بوروکراتیک بر تولید،
۷. رد عقلگرایی و طغیان همه جانبه علیه روشنگری، و
۸. اعتقاد به پایان یافتن مبارزه طبقه کارگر و مستحیل شدن آن در دل نظام سرمایه داری (موسوی، [بی تا]).

تعامل فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها از ویژگی های دوره پست مدرن است. علاوه بر این، حساسیتی نسبت به طبیعت نیز برای پست مدرن ها مطرح است و برخلاف علم گرایان، که خود را مالک و تسخیر کننده طبیعت می پندارند، پست مدرن ها گرایش به دوستی و هماهنگی

با طبیعت دارند که جنبش‌های سبز از نشانه‌های این رابطه نو با طبیعت است (رهادوست، ۱۳۸۶). پس، هر اقدامی که در جهت تخریب و یا کاهش منابع زیستی باشد برخلاف نگرش پست مدرنیستی است. از آنجا که پیشرفت فناوری و صنعت، همواره در جهت تخریب منابع زیستی عمل می‌کند، نگاه پست مدرن به پیشرفت‌های فناوری و صنعت نوعی نگرش منفی تلقی می‌شود (غفارپور، [بی تا]).

بحث و نتیجه‌گیری

هنگامی که به جامعه اطلاعاتی، که در اواخر قرن ۲۰ پدیدار شد، نگاهی می‌اندازیم به تحولاتی برمی‌خوریم که به علت مجموعه‌ای از اختراعات و نوآوری‌های ارتباطی شکل گرفته‌اند و هر یک به نوبه خود موجب تحول اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی شده‌اند. تلفن، شیوه کسب و کار مردم و روابط اجتماعی را دگرگون کرد. وابستگی فرهنگی با پیدایش سینمای ناطق در جهان مطرح شد (اسمیت، ۱۳۶۹، ص ۳۷). به نظر می‌رسد که رادیو آسان‌ترین رسانه‌ای باشد که کشورهای جهان سوم بتوانند بر آن تسلط همه‌جانبه داشته باشند. تلویزیون نوعی خاص از سرگرمی به حساب می‌آید که به نوعی زمینه‌ساز تغییرات فرهنگی و اجتماعی تلقی می‌شود. با آمدن کامپیوتر، اینترنت، و مانند آن امکان انتخاب بیشتری به مصرف‌کنندگان خبری داده شد؛ و پس از آن، وب فراگیر شد که اوج فضای عمومی است. وب را می‌توان دستاورد نهادهای دولتی و برخی از بزرگ‌ترین شرکت‌ها در تاریخ دنیا دانست که فناوری زیربنایی آن محصول برخی از پیچیده‌ترین فرمول‌های ریاضی است که نوع بشر به آن دست یافته است. با این حال، هر کس می‌تواند اطلاعاتی را در آن دستکاری کند (دارنلی، ۱۳۸۶، ص ۶۷) و در عین حال، آنقدر ساده است که هر کس می‌تواند نحوه استفاده از آن را در لحظه یاد بگیرد. این مبنای تحولات فناورانه جامعه اطلاعاتی است که در پایان قرن ۲۰ ایجاد شده است.

واضح است تحولات فناورانه تأثیر عمیقی بر زندگی بشر داشته است. اما فناوری توسط جوامعی پذیرفته شده است که به آن نیاز دارند و یا می‌توانند دلیلی برای استفاده از آن بیابند (آزاد، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸). به عبارت دیگر، در دنیایی که ویژگی آن جهانی شدن^۲ است می‌توان چنین تصور کرد که جهانی شدن طرحی است که از سوی ملل صنعتی غنی به کشورهای توسعه‌نیافته و یادر حال توسعه تحمیل شده است تا با ایجاد گرایش‌های جهانی به تحقق هدف استعماری کشورهای توسعه‌یافته در جنبه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی مهر تأیید زده شود.

گرچه پیامدهای جهانی شدن اغلب نامشخص، گسسته، و درهم آمیخته است؛ در مجموع جهانی شدن مدینه فاضله‌ای نیست که تصور شود می‌تواند به نابرابری‌های فرهنگی، قومی غلبه کند.

نگاه مثبت به فناوری از آن رو سؤال برانگیز است که به جهان به عنوان یک نظام واحد، بدون هیچ نابرابری، نگاه می کند که در آن هیچ تفاوت اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی در ملل وجود ندارد و تولید کالای اطلاعاتی در جامعه اطلاعاتی در هسته مرکزی همان بازار تعیین و به بیرون صادر می شود. در واقع، یک جریان اطلاعاتی یکسویه در یک هسته مشخص اتفاق می افتد و حقیقت قدرت را تبیین می کند و ملل استفاده کننده را از - هر نوع - مستعمره اطلاعاتی خود می گرداند. در حالی که، تحقیقات غنی و متقن حاکی از آن است که شکاف عمیق و نابرابری های متعدده، از جوانب مختلف، در بین ملت ها وجود دارد و بشریت و نظام آن از این نابرابری به شدت رنج می برند. با این نگاه آیا می توان جریان سیر فناوری را یک جریان مثبت تلقی کرد؟ آیا ارتباطات اینترنتی و مسئله جهانی شدن منفعت عمومی را در سطح کلی توسعه داده است؟ یا نه اینترنت خود باعث تعمیق نابرابری های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی شده است. هر چند که صرف نظر از اینکه چه هویتی داریم، در کجای زندگی می کنیم اینترنت به عنوان یک رسانه بین المللی روش های زندگی را متزلزل ساخته است (آزاد، ۱۳۸۶، ص ۹).

نگاه منفی به فناوری که با ماهیت فناوری به طور کلی مخالف بوده، از آن رو قابل نقد است که به فناوری به عنوان یک ابزار بر ملاکننده حریم خصوصی نگاه می کند. حال آنکه سیر طبیعی زندگی بشر در تمام دوره های تاریخی نشان داده است که تلاش های جسورانه ای در همه ادوار برای بهتر زیستن، راحت تر بودن، و کشف ناشناخته ها صورت گرفته است که مسائل خصوصی افراد را تحت الشعاع قرار داده است. هر چند که سودمندی آنها بسیار بیشتر از زیان آنهاست. به طور مثال، کشف آتش در زندگی بشر نخستین باعث تحولات متعددی در ندگی او شد. از یک طرف بشر اولیه با تغییر عادت خامخواری توانست تجربه های بهتری در استفاده از مواد خوراکی داشته باشد. از جانب دیگر، استفاده از دود آتش بشر را از گزند حیوانات وحشی در امان نگه می داشت، هر چند که روشنایی و نور آتش نوعی تجاوز به حریم خصوصی تلقی می شد. حال می توان قضاوت کرد که با کشف آتش، بشر اولیه، به طور کلی مخالف باشد و مزیت های متعدد آن را نادیده بگیرد؟ بنابراین، بسیار طبیعی است که با گذشت زمان تحولات فناورانه در خدمت زندگی بشر قرار گیرد تا آنجا که مصادیق بارز فناوری (به طور مثال موبایل) به نوعی جنبه حریم خصوصی پیدا کرده، جزء لوازم شخصی قلمداد شود.

نگاه پست مدرنیستی هانیز، که نوعی نگاه منفی به فناوری تلقی می شود، قابل نقد است. به این صورت که اگر از موارد نادر و استثنایی بگذریم، تاریخ بشری اثبات می کند که انسان به طور کلی لذت جو و درد گریز است (تراشیون، ۱۳۸۶). حفظ طبیعت، که پست مدرن ها بر آن اصرار خاصی می ورزند، با جنبه فایده گرایی انسان در تقابل است. گذر از فایده گرایی تنها با تغییر طبیعت بشر ممکن است که به نظر نمی رسد لاقبل در آینده ای نزدیک هیچ مکتب و مرامی قادر به انجام آن باشد.

به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد که انسان عصر حاضر می‌تواند برخوردی صحیح و معقول با فناوری داشته باشد و نسبتی آزاد با آن برقرار کند؛ یعنی در عین استفاده از آن بتواند از بند آن نیز خلاصی یابد. به‌زعم هایدگر، برای ایجاد نسبتی صحیح با فناوری، همه چیز به این وابسته است که فناوری را به‌عنوان یک ابزار به روشی شایسته به‌کار گیریم (هایدگر، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶).

منبع

- آزاد، اسدالله (۱۳۸۶). *اطلاعات و ارتباطات*. تهران: نشر کتابدار.
- اسمیت، آتونی (۱۳۶۹). *ژئوپلیتیک اطلاعات*. ترجمه فریدون شیرثانی. تهران: سروش.
- براون، ارنست (۱۳۷۹). *زمینه فناوری: ارزیابی فناوری برای استفاده مدیران*. ترجمه محمد زنجانی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- بل، دانیل (۱۳۸۲). *آینده فناوری*. ترجمه احد علیقلیان. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- پستمن، نیل (۱۳۷۲). *تکنوپولی: تسلیم فرهنگ به فناوری*. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: سروش.
- _____ (۱۳۷۳). *زندگی در عیش مردن در خوشی*. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: سروش.
- تراشیون، سعید (۱۳۸۶). در نقد «پست مدرنیسم». از: http://www.aftabir.com/articles/view/religion/philosophy/c7c1189075505_postmodernism_p1.php
- دارنلی، جیمز؛ فدر، جان (۱۳۸۴). *جهان شبکه‌ای*. ترجمه نسرين امین دهقان، مهدی محامی. ویراستار علی حسین قاسمی. تهران: نشر چاپار.
- رهادوست، فاطمه (۱۳۸۴). «پست مدرنیسم و کتابداری و اطلاع‌رسانی». *در: مباحث نظری در کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: نشر کتابدار.
- _____ (۱۳۸۶). *فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: نشر کتابدار.
- غفارپور، مهدی (بی تا). «پست مدرنیسم و انسان‌شناسی». از ویکی‌پدیا. دانشنامه آزاد. از: <http://fa.wikipedia.org>
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی*. تهران: نشر دیدار.
- موسوی، سیدصمد (بی تا). «موج‌هایی برای نو شدن: مدرنیسم و پست مدرنیسم در اروپا». از: <http://www.qabas.org/nashrie/puya/10/14.htm>
- ویستر، فرانک (۱۳۸۰). *نظریه‌های جامعه اطلاعاتی*. تهران: قاصیده سرا.
- هایدگر، مارتین (۱۳۷۵). *پرسشی در باب فناوری*. ترجمه و شرح محمدرضا اسدی. تهران: اندیشه.
- Ebersole, Samuel (2003). "Media determinism in Cyberspace". Regent University School of Communication & the Arts. Retrieved Sep. 18 2010 , from: www.Regent.edu/acad/schom/roj/mdic/define.html

Huster, Kevin (2007). "Technological determinism".
Retrieved Sep. 18 2010, from: <http://Aok.cats.ohiou.edu/~kh380957/TD.html>.
"Technological Determinism". Wikipedia, the free encyclopedia . from :
<http://en.wikipedia.org/wiki/technological-determinism>

